

حورا نژاد صداقت

رفاه زندگی، یک آزمون الهی



کار و جامعه

با مطالعه و جستجو در تاریخ، در یک دوره، با مردمانی مواجه می شویم که از مستی نعمت هایی که به آنها رسیده بود، دچار رفاه زندگی و دنیامداری و غفلت از آخرت شده بودند. این نوشتار تنها مروری بر اندیشه استاد مطهری در باب رفاه و چشم اندازی است که رفاه زندگان از آن، جهان را می نگرند. ایشان در آثار خود نه تنها با رفاه زندگی مخالف هستند بلکه دنیای حقیر رفاه زندگان را بشدت نفی می کنند.

رفاه زندگی و بلاهت

هر لحظه از زندگی ما با به دست آوردن نعمت ها یا از دست دادن آنچه داشته ایم، می گذرد و تمام این به دست آوردن ها و از کف دادن ها، بر اساس قوانین الهی و شیوه عملکرد خودمان صورت می گیرد. پس از آن که به نعمتی می رسیم، نحوه برخورد ما با آن، سبک زندگی مان را مشخص می کند. نعمت ها می توانند مایه سعادت باشند یا مایه بدبختی و بیچارگی. اگر نعمت ها فراوان باشند و فرد پیوسته در داشته های نه چندان ضروری یا کاملاً غیرضروری پیشروی کند، دچار رفاه زندگی می شود و به عیاشی و تن پروری می افتد.

از نظر شهید مطهری یکی از آثار این سبک زندگی، رسیدن به «فلسفه پوچی» و خودکشی است زیرا چنین کسانی وقتی هنوز با رنج آشنا نشده اند، به لذت های بزرگی دست می یابند که قدرت لذت بردن از آنها را ندارند. استاد می گوید: «طبقه مرقه، لذت حیات و ارزش زندگی را درک نمی کند؛ زیبایی عالم را احساس نمی کند؛ معنی حیات و زندگی را نمی فهمد. لذت و رفاه بیش از اندازه، انسان را بی حس کرده، به صورت یک موجود کرخ و ابله درمی آورد... کسانی که خودکشی را به حساب حساسیت می گذارند، باید بدانند که این «حساسیت» چه نوع حساسیتی است؟ حساسیت آنها حساسیت ذوق و ادراک نیست؛ به این معنی نیست که فهم لطیف تری دارند و چیزهایی را درک می کنند که دیگران درک نمی کنند؛ حساسیت آنها به این معنی است که در مقابل زیبایی های جهان، بی احساس و کرخ و در مقابل سختی ها زودرنج و کم مقاومت اند.» (ج ۱، ص: ۱۸۷)

حال سوال این است که چگونه می شود رفاه بیش از حد برخلاف ظاهرش که آرزوی بسیاری از مردمان است موجب شود فرد به موجودی بی حس و ابله تبدیل شود؟ شهید مطهری می گوید: «مردم وقتی که به رفاه زیاد و عیش و تنعم عادت کردند، خصلت عیش و تنعم و رفاه زندگی، کم حوصلگی و کم صبوری و زودرنجی و پرتوقعی و امثال اینهاست.» (ج ۲۷، ص: ۸۰۰)

این است که رفتارهای عجیب از سوی رفاه زندگان دیده می شود، هرچند سعی در پنهان کردن آن داشته باشند.

تاریخ آزمایش در برابر نعمت

وقتی صحبت از رفاه و رفاه زدگی می شود یک مثال تاریخی بارها در آثار شهید مطهری به چشم می خورد و آن ماجرای دوران پیامبر اسلام و سختی های آن، و دوران امیرالمومنین و فراوان شدن نعمت ها بوده است. صحبت از این است که عده ای برایشان سوال شده بود: چرا برای ما که همراه امام علی هستیم، نصرت خدا فرا نمی رسد؟ مگر همین همراه بودن کافی نیست؟

پاسخ صریح و بی پرده این است: خیر. هر روز آزمایش ها به صورتی است. زمانی بود که مسلمانان در کنار پیامبر بودند و سختی های بسیار دیدند، و در راه خود استقامت نشان دادند. گاهی شرایط به سود یاران پیامبر بود و به ضرر دشمنان و گاهی بر عکس، ولی با وجود اینها همراهان حضرت، عقب نشینی نکردند پیش رفتند تا جایی که اثبات کردند در این راه ثابت قدم هستند و تا وقتی صدق نیاتشان به ظهور رسید یعنی واقعاً آنچه باید از درونشان بجوشد جوشید، آن وقت خداوند پیروزی خودش را بر آنها نازل کرد.

حال به دورانی رسیده اند که دیگران لشکرکشی هایی را شروع کرده اند، (کاری که معلوم نیست اگر علی علیه السلام روی کار آمده بود این کار را می کرد. درست است، اگر امام در جای خودش مصلحت بداند لشکرکشی و فتوحات می کند ولی امام، اول زیرپا را محکم می کند یعنی مردم را خوب می سازد، بعد شروع به این کارها می کند.) و غنایم فراوانی رو به سرزمین های اسلامی جاری شده است. اکنون آزمایش جدیدی در راه است. شهید مطهری با اشاره به آزمایش های پیاپی که لازم است شخص در تمام آنها موفق شود تا سعادت مند گردد، می گوید: «گاهی انسان به همین مرحله قناعت می کند، می گوید: مردمی ایمان می آورند؛ بعد تجربه، خیلی خوب در موردشان صورت می گیرد؛ آزمایش می شوند، از کوره خیلی صحیح و عالی بیرون می آیند، بعد وعده خدا درباره آنها راست می شود یعنی آن وقت خداوند متعال درهای رحمت و نصرت خودش را روی آنها باز می کند. آیا دیگر کار تمام شد؟ نه، کار بشر تمام شدنی نیست. بعد که به این مرحله رسید، تازه خود این مرحله می شود یک مرحله آزمایش. چه بسا اقوامی - از جمله مسلمین صدر اول ابتدا خیلی خوب آزمایش می دهند، بعد که در آزمایش خوب از آب درآمدند، خداوند درهای رحمت، نصرت و پیروزی را به روی آنها باز می کند ولی فکر نمی کنند که تازه اول آزمایش دیگر است. آن آزمایش، آزمایش در سختی ها بود، در مقابل سختی ها پیروز بیرون آمدن؛ آزمایش در مقابل نعمت و رفاه نوع دیگری است، از این هم باید پیروز بیرون آمد. ای بسا اقوام که همین قدر که به نعمت رسیدند، درست مثل حیوان های گرسنه ای که سال ها گرسنگی کشیده اند حالا که به علفزاری رسیده اند دیگر نمی فهمند چه بکنند؛ یعنی حالت رفاه زدگی.» (ج ۲۷، ص: ۸۰۲)

این اشاره به رفاه زدگی، باز می گردد به ماجرای ثروتمند شدن

بی رویه عده ای در دوران امیرالمومنین. اشاره به زندگی کسانی که سالیان سال در دوران حضرت رسول، در عبادت و تهجد به سر بردند و با جمع مسلمین به پیروزی رسیدند و اکنون در آزمایش «روبارویی با نعمت ها» قرار گرفته اند. یک دوره نداری و اکنون ثروت های کلان، نتیجه چه می شود؟ آغاز خوشگذرانی و تبدیل شدن به یک ملت رفاه زده، خوشگذران و عیاش. شهید مطهری پس از توضیح این مطلب بصراحت می گوید: «و همین قدر که مردمی به عیاشی عادت کردند، دیگر با هیچ نیرویی نمی شود، اینها را حرکت داد.» (ج ۲۷، ص: ۸۰۲)

این است تفاوت دوران پیامبر اسلام و نخستین امام شیعیان. به تعبیر شهید مطهری: علی علیه السلام وارث وضع یک مردم رفاه زده بود. مردمی که دچار «سکر نعمت» یعنی مستی ناشی از رفاه شده بودند، چیزی که مولامردم را نسبت به آن هشدار می دادند و می فرمودند: فَأَتَقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ وَأَحْذَرُوا بَوَائِقَ النَّقْمَةِ. یعنی: از «مستی های نعمت» بترسید و از بلای انتقام بهراسید. (ج ۱۶، ص: ۵۵۰)

البته در میان این رفاه زگان، عده ای از آزمایش صبر در برابر نعمت نیز پیروز خارج شدند، مانند ابوذرها و مقدادها و عمارها.

نعمت های چند وجهی

همان طور که در ابتدای مطلب گفتیم، پیوسته در برابر به دست آوردن و از کف دادن نعمت ها هستیم و پیوسته آزمایش می شویم، و پیروزی در آزمایش مواجهه با سختی ها و عدم رفاه زدگی، انتهای راه نیست. زیرا هر مرحله ای آزمایش های خودش را دارد. نتیجه چنین آزمایش هایی چیست؟

شخص تا به حدی ایمان را می چشد و زندگی می کند که دیگر هیچ تندباد و اتفاق متفاوتی نمی تواند او را از مسیرش تکان دهد. در وصف مومن آمده است که: كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ. یعنی عده ای مانند جناب ابوذر به جایی می رسند که نه سختی های دوران پیامبر و نه نعمت های جاری به سرزمین های اسلامی در دوران خلفاء، هیچ یک او را در مسیر خود دچار لغزش نمی کند. (ج ۱۶، ص: ۶۹)

بنابراین نعمت بودن نعمت، به نوع عکس العمل ما نسبت به آن بستگی دارد، همان طور که نعمت بودن نعمت نیز به عکس العمل ما در برابر آن وابسته است. چه بسا کسی با نعمت رشد کند و چه بسا کسی با نعمت به پایین ترین درجات خود افول کند. پس نعمت و بلاهر دو نسبی هستند و جهت این نسبت را ما در انتخابمان نشان می دهیم.

منبع: جام جم شماره ۳۸۹۵